

## "بسمه تعالی"

### حجاب، حق زنان

م. سوئی

#### چکیده

هیچ مکتب اجتماعی بدون شریعت نیست و البته شریعت نیز بدون مکتب معنا ندارد. شعائر به منزله‌ی شاخ‌ویرگی هستند که در مکاتب ریشه دارند و حقانیت هر شریعتی به‌میزان حقانیت مکتبی است که از آن برمی‌آید. مکتب امری اعتقادی و شریعت سویی اجرای آن است. در این نوشتار یکی از شعائر مکتب اسلام را بررسی خواهیم کرد.

#### شریعت؛ نمازین گرامه‌یت اعتقاد دینی

نخست، به این پرسش می‌پردازیم که از میان رفتارهای دینی کدام یک، به‌صورت فوری و فراگهی، نه تنها انتخاب فرد، بلکه سمت‌وسوی خاص نظام فرهنگی - سرطری را در جامعه نشان می‌دهد؟ تصور کرهی جهانگردی به کشور ما طری، آلی در بدو ورود، شعائری مانند نماز، روزه، خمس و زکات می‌تواند نوع نظام فرهنگی - سرطری حاکم را نشان دهد. این‌که امری مثل حجاب زنان چنین کارکردی دارد؟ پاسخ این است که دست‌کم حجاب در این زمینه کارکرد بسیار بیشتری دارد. پس زنان با نوع حضور و حجابشان هم منش حکومت را نشان می‌دهند و هم کنش اعتقادی و التزامی شهروندان را. درواقع، نوع پوشش و حضور اجتماعی زنان به هر تازه‌واردی شناختی اجمالی درباره‌ی جامعه‌ی ایرانی می‌دهد. حال که نوع پوشش زنان به مؤلفه‌ای جامعه‌شناختی تبدلی شده است، لازم است تأمل خاص‌تری درباره‌ی آن بشود.

## پس‌زمینه‌ی جهانی حجاب

تأمل دقیق در مسئله‌ی حجاب بدون طرح «پس‌زمینه در جهان» و «پس‌زمینه در ایران» ممکن نیست. در مورد پس‌زمینه‌ی جهانی وضع روشن است و به‌خوبی می‌دانیم که قدرتمندان غربی جهان با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در پی حذف حجاب هستند و آن را ریاضتی بی‌دلیل برای زن برمی‌شمرند و تحمیل حجاب را بی‌عدالتی در حق زن تبلیغ می‌کنند. فضایی که بی‌عفاف و بی‌حجابی را نوعی آزادی برشمرده است تا از گذر آن مردان آزاده تمتع ببرند و قدرت انتخاب بیشتر به‌دست آورند و زنان اسیر پاسخگویی به آنان باشند. در واقع، در پس‌زمینه‌ی جهانی، عصری را در برابر خود می‌بینیم که وارث یک قرن پیش به نمادها و نهادهای دینی است.

زندگی مدرن با کمک پیشرفت علمی انسان را مرکز و محور همه چیز قرار داد و عصری را پدید آورد که هم وارث الحاد گذشته بود و هم والد الحاد آینده. از این رو، قرن بیستم هم محل ظهور نخبه‌ی نهایی الحادهای پیشین است و هم خالق الحادهای آینده؛ یعنی از یک سو، وارث الحاد قرن هجدهم و نوزدهم و الحاد علمی و سرمایه‌داری است و از سوی دیگر می‌کوشد جهانی را بنیان گذارد که سراسر انسان‌مدارانه باشد و بی‌وجود خداوند اداره شود، یعنی الحاد سیاسی. در واقع، انسان غربی جدید می‌خواهد اولاً جهان را بدون خدا تبیین کند و ثانیاً بدون خدا با رفاه و سعادت زندگی کند. مشخصه‌ی این عصر نه سرپیچی از خدا که سرکوبی خداست. نظام‌های ملحد این عصر در پی جدایی کامل ایمان از عقل، اخلاق از علم، دین از سرطنت، تعالی از هنر، مسئولیت از آزادی و درنهایت انسانیت از انسان هستند. در این عصر، هرچقدر دست‌های کارکردن و پاهای راه‌رفتن توانا تر می‌شود، به‌عوض چشم‌های دین، لوچ‌تر و احوال‌تر می‌گردد و دائماً وهم فربه می‌شود و «فهم» لاغر. مدرنیته در عرصه‌ی فرهنگ پی‌اباحه‌گری در عرصه‌ی اقتصاد، پی‌سرمایه‌داری در عرصه‌ی اجتماع، پی‌لذت‌گرایی در عرصه‌ی سرطنت و بی‌دینی‌زدایی است. در این چرخه‌ی آزاد، در قلمرو فکر و نظر، آدمی می‌تواند هرچه خواست برگزیند؛ اما در قلمرو عمل، هر چیزی را می‌تواند انتخاب کند الا مذهب.

دنیای جدید غربی یکی از بزرگترین ستم ها را در حق زنان روا داشت . در واقع، هم چون همه ی نظام های باطل که پیشتر ستم را به زنان روا می‌دارند، در این ستم مدرن زنی زنان پیشتر آسپ و آفت را می‌بخشد. وقتی برای رونق اقتصادی، کارگر ارزان و کم‌توقع می‌خواهد، زن را به نام آزادی از خانه بیرون می‌کشد و وقتی برای تأمین لذتش به زنی جذاب نیاز دارد، باز او را به نام آزادی از پوشش برهنه می‌کند. این سرنوشت غم‌انگیز زن امروز در غرب است.

### حجاب و دوره ی پهلوی

متأسفانه، این تراژدی در ایران نیز رخ داد. اگرچه نخستین ظهورات این تراژدی در ایران به دوره ی قاجار و اولین سفر ناصرالدین شاه برمی‌گردد؛ اما گسترش همه جانبه و فراگیر آن به دوره ی پهلوی می‌رسد. در واقع، به قول مخبرالسلطنه، رئیس الوزرای رضا شاه، غرب با لابراتورهایش که مظهر سخت‌کوشی و نظم و پژوهش است به ایران وارد نمی‌شود، بلکه به‌عوض با بلوارهایش وارد می‌شود که مظهر برهنگی، خوشی و کافه‌نشینی است. جلال آل احمد به درستی در کتاب غرب‌زدگی می‌گوید: از واجبات غرب زدگی بی‌مستلزمات آن آزادی‌دادن به زنان است. ظاهراً لابد احساس کرده بودیم که به قدرت کار این پنجاه درصد نیروی انسانی مملکت بگرمندیم که گفتیم آب و جارو کنند و راه بندان‌ها را بردارند تا قافله ی نسوان برسد! اما چه جور اینکار را کردیم؟... به زن تنها اجازه ی تظاهر در اجتماع را دادیم، فقط تظاهر؛ یعنی خودنمایی؛ یعنی زن را که حافظ سنت و خانواده و نسل و خون است را به ولنگاری کشیده‌ایم، به کوچه آورده‌ایم و به خودنمایی و بی‌بندوباری واداشته‌ایم که سرور را صفا بدهد و هر روز ریخت یک مد تازه را به خود ببندد و ول بگردد... ما در کار آزادی‌صوری زنان، سال‌های سال پس از این نیز هیچ هدفی جز افزودن به خلی مصرف‌کنندگان پودر و مانتیک نداریم و این صورت دیگری از غرب‌زدگی است.

رژیم غرب‌زده ی پهلوی که در همه ی جوانب فرهنگی و اقتصادی مرعوب غرب بود، درمورد زنان نیز به گونه‌ای عمل کرد که خود را به غرب نزدیک کند و چون نحوه ی حضور و پوشش زن سریع‌تر از هر

موضوع دیگری می‌توانست هم‌شکلی‌های ظاهری را در مقایسه با جامعه‌ی این‌ه آل غربی‌شان نشان دهد، توجه بسیار زیادی به وضع بیرونی جامعه‌ی زنان کرد. در واقع، بیشترین سرمایه‌گذاری را بر روی زنان انجام دادند، اما از همان توجهی که صرفاً به صیقلش دارد! در دوره‌ی پهلوی، زن با این هدف به اجتماع فراخوانده شد که پهلوی را به غرب نزدیک کند. در این مقطع، اگر زنی تن به ابتذال شاهانه نمی‌داد و در عرصه‌ی علم‌اندوزی و علم‌آموزی تلاش می‌کرد، به دلیل پارسایی و پائیزی فردی‌اش بود و هزینه‌های سنگینی آن را برهن تقبل می‌کرد.

### عصر انقلاب اسلامی

با این وصف، زنان فہم جامعه‌ی ما، با ورود آگاهانه به عرصه‌ی انقلاب و قرارگرفتن در صف مبارزه، همه‌ی نقشه‌های شیطان را نقش بر آب کردند و سرباز فداکار عرصه‌های جدی تحول و تحمل شدند. رشد چشمگیری زنان که حتی در برابر دین‌گمان معاندان و مخالفان انقلاب هم انکارشدنی نیست، گواه مثبتی است بر حضور زنان در مشارکت‌های سطحی، اجتماعی و علمی. اما پس از انقلاب مشکلاتی رخ داد که ناشی از سوءعملکرد مدیران خائن یا جاهل بود. رفتارهای تندی که ریشه در آموزه‌های اسلامی نداشت رخ داد و طبیعتاً نتیجه نیز غیراسلامی بود. عده‌ای آگاه نپدی می‌دانستند راه را چگونه بروند که نه ردی از جرم بماند و نه از اهدافشان دور بمانند. آن‌ها می‌دانستند بددفاع کردن هزاران بار مؤثرتر از خوب کوچیدن است؛ لذا ریاکارانه دست‌به‌کار شدند و ظهور و بروز آن در مدرسه، دانشگاه، خلیان و اداره به رفتارهایی انجامید که با اسلام توافق نداشت. درسوی دیگر، عده‌ای اگرچه دشمن نبودند، اما نادان بودند و حرکت‌های معاندانه را حمایت کردند. انگیزه‌ی این دو گروه متفاوت بود اما نتیجه یکی بود. عده‌ی باقی‌مانده‌ای که بلایان و دانا بودند از هر دو طرف تحت فشار قرار گرفتند؛ آن‌ها می‌دانستند قلب‌ها ایمان‌پذی‌ند نه فرمان‌پذی. در نگاه آن‌ها بای با دادن آگاهی و فرصت به مخاطب و بهکارگیری شیوه‌ی مناسب برای مفاهیمی فکری و مراوده‌ی قلبی، در پی تربیت و هدایت بود.

این ماجرا زمانی غم‌انگیزتر می‌شود که ببینیم همان بنیان‌گذاران اصلی این روی بی‌آنکه ذره‌ای در قبال گذشته پاسخگو باشند، تقصیر را به گردن دیگران انداختند و خود را مدافع نسل نو معرفی کردند . ایشان به سرعت سراغ ترمیم‌های گفتگو رفتند، برای جوان‌ها سخن‌سرایي کردند و برای آزادی‌های بربادرفته‌شان دل سوزاندند. آن روز که مدی بودند، نردبان معنویت جوانان نشدند و البته امروز که منتقد شدند، جوانان نردبان موقعیت ایشان شدند. برخی با چنین شریقه‌های مدی‌یتی، خواسته یا ناخواسته، جوانان را از دین‌داری جدا کردند. در این بین، ماجرای حضور و حجاب زن و نحوه ی روبه‌روی با آن از همه قابل‌تأمل‌تر و غنی‌قابل‌تحمل‌تر است؛ زیرا نه به کام تشنگان پرسشگر «چرا حجاب» سبوی آگاهی و معرفت رساندند و نه به جویندگان پاسخ «چگونه حجاب». طیفی هم بر پوشش مقبول و مطلوب خود اصرار بی‌برنامه کردند و نتیجه این شد که می‌بینیم.

#### حجاب حق زن و حد مرد

حجاب فریضه‌ای عبادی، عرفای و حماسی است و زن باحجاب همواره در حال عبادت خداوند و فرمان‌برداری از اوست. حجاب امری عرفای است؛ زیرا بلعشق در آمیخته است و این عشق اجرای آن را آسان و آثار آن را ماندنی می‌کند. حجاب حماسی است، زیرا پرچم حق‌سالاری و عدالت‌خواهی است. زن با حجاب خود فرصت مردسالاری و حاکم‌شدن تمتعات و تمرط را نمی‌دهد. حجاب لباس مشارکت و حضور اجتماعی است؛ زیرا اگر زن در فضای خانه و بیون ارتباط با محیط اطراف بود، حجاب خودبه‌خود ضرورت نمی‌طفت. تأکید بر حجاب از طرف مکتب متروی اسلام نشان می‌دهد که اسلام حضور زن را پذیرفته است و برای سلامت حضور برنامه‌ریزی می‌کند. حجاب «حق زنان» است و «حد مردان». زنان با حجاب به حق خود می‌رسند و مردان با حجاب حد خود را می‌کنند. حجاب از فطری‌ترین قوای است که کاملاً بل‌تکوی و طبعیت زن و با تکامل و تعالی او توافق دارد.

متأسفانه این امر ملائم فطرت، در چرخه‌ی «بد دفاع کردنِ دوستان» و «خوب‌کوین دشمنان» قرار گرفته است. به‌ویژه، به سؤالات و شبهات پاسخ داده نمی‌شود که بذهن جوانان سای انداخته است. این بی‌اعتنائی در محیط‌های علمی که بیشتری مسؤلیت را در تبیین و تحکیم حجاب دارند، نشانگر آن است که نه برای تفهیم علمی و نه برای تمرین عملی (به‌خصوص برای دختران دانش‌آموز) اقدام در خوری انجام نشده است باین وصف، زنان فهیم و والای ما می‌دانند که به‌دور از معایب و نواقص در عملکردها حجاب برای حفظ و رشد زن و «حق» اوست و اجازه نمی‌دهند که ای حق از ایشان گرفته شود

زن فهیم ایرانی به‌درستی می‌داند که دستاوردی حجاب چیزی نیست جز وضع نامناسب زنان در جامعه غرب. حاصل بی‌حجابی چیزی جز آسیب‌زدن به عفاف و طهارت فردی و اجتماعی نیست. مدافعان فرهنگ بی‌حجاب خواهان آن هستند که جنبه‌ی زنانگی و جذاب زن در حضور اجتماعی او بارزتر و در دسترس‌تر قرار گیرد و برعکس جنبه‌ی انسانی زن در حضور اجتماعی مغفول و مهجور و بلکه منفور باشد! دستاورد مهم حجاب به تعریفی از قرآن «أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ»<sup>۱</sup> است؛ یعنی زن شناخته شود و جامعه او را با جنبه‌ی انسانی‌اش بشناسد اما مورد آزار قرار نگیرد. زن مسلمان از قرآن می‌آموزد که جنبه‌ی زنانگی‌اش برای محیط گرم و صمیمی خانه و تربیت و تولد نسل است و حاصل این شناخت این است که دیگر در جامعه آزار نمی‌بیند و به رنج نمی‌افتد

سخن پانویس

مسئولان ما درباره‌ی حجاب مسؤلیت سنگینی دارند و باید تابع فرمایش‌های رهبر فرزانه باشند و برنامه‌ی دقیق برای بهبود وضع حجاب جامعه بریزند. باید حرکتی ملی، فراگهی و مستمر برای اصلاح وضع کنونی انجام گیرد. رسانه‌ها و به‌ویژه صداوسیما نقشی حیاتی در ایپاره دارد و رسانه‌ی ملی باید در قالب طرحی دقیق فرهنگ حجاب را در دل جوانان تعمق ببخشد

**منبع: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد**

<sup>۱</sup>. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۹